

بررسی ارتباط بین نیازهای روانی پایه با تحلیل رفتگی بازیکنان لیگ برتر کبده مردان ایران

اردوان همتی^{۱*}، شیرین زرتشتیان^۲، سمیه گراوند^۳

۱. فوق‌لیسانس مدیریت ورزشی دانشگاه رازی کرمانشاه، ایران

۲. دانشیار گروه مدیریت ورزشی دانشگاه رازی کرمانشاه، ایران

۳. فوق‌لیسانس فیزیولوژی ورزشی دانشگاه رازی کرمانشاه، ایران

چکیده

به دلیل دوره‌های شدید رقابت و استرس عملکرد در طول یک فصل، ورزشکاران می‌توانند نوسانات تحلیل رفتگی را تجربه کننده ممکن است خطرات بیشتری را برای سلامتی آن‌ها به همراه داشته باشد. اعمال فشار بیش‌ازحد بر ورزشکاران برای دستیابی به نتایج خوب یا ناتوانی در ایجاد لذت از فعالیت حتی می‌تواند آن‌ها را به ترک تمرین ورزشی سوق دهد. این پژوهش ارتباط بین ارضای نیازهای روانی پایه با تحلیل رفتگی ورزشی بازیکنان لیگ برتر کبده مردان ایران را بررسی کرد. پژوهش حاضر توصیفی و از نوع زمینه‌یابی است که به شکل میدانی انجام شد. تعداد ۱۲۰ بازیکن کبده از مجموع ۱۴۴ نفر به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری شامل دو پرسشنامه ارضای نیازهای روانی پایه ($\alpha = 0.72$) و پرسشنامه تحلیل رفتگی (ABQ) ($\alpha = 0.78$) بود. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و برای پیش‌بینی نقش متغیر مستقل بر متغیر وابسته از رگرسیون چند متغیره با تأکید بر نرم‌افزار spss19 استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد بین عوامل ارضای نیازهای روانی، نیاز به شایستگی و پیوستگی رابطه منفی و معنادار و نیاز به استقلال رابطه مثبت و معناداری با تحلیل رفتگی وجود دارد به‌طوری‌که با افزایش نیاز به شایستگی و پیوستگی، تحلیل رفتگی نیز کاهش خواهد یافت، درحالی‌که با افزایش نیاز به استقلال، تحلیل رفتگی افزایش یافت؛ بنابراین به مربیان پیشنهاد می‌شود برای جلوگیری از ایجاد تحلیل رفتگی و تأثیرات منفی این عامل بر عملکرد ورزشی بازیکنان، سعی نمایند که نیاز به شایستگی و پیوستگی ورزشکارانشان را با برقراری ارتباطات مناسب و ایجاد فرصت برای ابتکار عمل در آن‌ها برآورده کنند، و چون استقلال بیش‌ازحد باعث افت عملکرد بازیکنان می‌شود، بنابراین سعی شود که بیش‌ازحد به بازیکنان استقلال ندهند.

واژگان کلیدی: ارضای نیازهای روانی پایه، تحلیل رفتگی ورزشی، کبده

Investigating the relationship between basic psychological needs and burnout of Iranian men's kabeddi league players.

Ardavan Hemmati Hasngavdar^{* 1}, Shirin Zartoshtian², Somayeh Geravand³

1. Master of Sports Management, Razi University, Kermanshah, Iran

2. Associate Professor, Department of Sports Management, Razi University, Kermanshah, Iran

3. Master of Sports Physiology, Razi University, Kermanshah, Iran

Abstract

Due to the intense periods of competition and performance stress during a season, athletes can experience fluctuations in exhaustion that may pose additional risks to their health. Putting too much pressure on athletes to achieve good results or the inability to enjoy physical activity can even lead to quitting sports. This study investigated the relationship between the satisfaction of basic psychological needs and the sports burnout of Iran's men's kabeddi league players. The current research is a descriptive and background research that was conducted in the field. The number of 120 Kabeddi players from a total of 144 people were selected as a statistical sample. The measurement tool included two basic psychological needs satisfaction questionnaires ($\alpha=0.72$) and burnout questionnaire (ABQ) ($\alpha=0.78$). Descriptive statistics were used to analyze the data and multivariate regression was used to predict the role of the independent variable on the dependent variable with emphasis on spss19 software. The findings of the research showed that there is a negative and significant relationship between the factors of satisfying psychological needs, the need for competence and Related, and the need for Autonomy has a positive and significant relationship with burn out, so that with the increase in the need for competence and Related, burnout will also decrease. While the need for Autonomy increased, depletion increased. Therefore, it is suggested to the coaches, in order to prevent the erosion and negative effects of this factor on the sports performance of the players, to try to satisfy the need for competence and consistency of their athletes by establishing proper communication and creating opportunities for initiative in them, and for more Autonomy. Too much will cause the performance of the players to drop, so try not to give too much Autonomy to the players.

Keywords: Satisfying Basic Psychological Needs, Burnout Of Sports, Kabeddi

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* Corresponding Author; Email: ardavanhemati1364@gmail.com

۱. مقدمه

هدف ورزش قهرمانی، کسب موفقیت در صحنه مسابقات ورزشی و رسیدن به افتخار و پاداش است؛ به همین سبب توقع این شاخه ورزشی از شرکت کنندگان خود، بهره‌مندی آنان از کارایی بدنی و روانی و آمادگی برای رقابت با سایر شرکت کنندگان است. مربیان و کمک مربیان بیش از پیش دریافتند که برای شرکت در مسابقات، باید از راهبردهای علمی جدید استفاده کنند؛ از این رو برای سازماندهی باشگاه‌های بزرگ، شیوه‌های مدیریت علمی به کار گرفته شد. باشگاه‌هایی که همراه با تحولات زمان پیش رفتند، در مقایسه با دیگرانی که هیچ‌گونه تغییری در کار خود نداشتند، توانستند به موفقیت‌های بزرگی دست یابند و جوایز زیادی به دست آورند (ریلی و همکاران، ۱۳۸۴). یکی از عواملی که می‌تواند بر بسیاری از فاکتورهای مؤثر بر عملکرد ورزشی ورزشکاران اثرگذار باشد ارضای نیازهای روانی پایه است (هاج و همکاران، ۲۰۰۸). نیازهای روانی در دو دسته ارگانیزمی و اکتسابی قرار می‌گیرند (ریو، ۱۳۸۳). نیازهای روانی ارگانیزمی در هرکسی به صورت فطری وجود دارد. روان‌شناسان از نیازهای انسان تقسیم‌بندی‌های متنوع و متعددی را ارائه داده‌اند. از جمله این تقسیم‌بندی‌ها می‌توان به تقسیم‌بندی مازلو اشاره کرد که در یک طبقه‌بندی منطقی و پیشرفته، کمال‌طلبی را عالی‌ترین مرحله از نیازهای انسانی می‌داند. مازلو معتقد است اگر نیازی طرح گردد و ارضاء نشود فرد احساس ناآرامی و بی‌قراری می‌کند و این تنش باعث عدم تعادل در فرد می‌گردد تا اینکه برای برطرف کردن این حالت به فعالیت یا هدف مشخصی پردازد و با این فعالیت تعادل را در خود به وجود آورد. بنابراین زمانی که یک نیاز برآورده شد آن نیاز دیگر هدف نیست و فرد به مراحل بالاتر کشیده می‌شود (استیفن رابینز، ۲۰۰۷). بنابراین مربیان هنگام تجزیه و تحلیل رفتار ورزشکاران باید فهرستی از این نیازها را در ذهن داشته باشند تا بتوانند تحلیل درستی از رفتارها، انگیزه‌ها و علت‌ها ارائه نمایند.

یکی از تأثیرگذارترین رویکردهایی که در حال حاضر برای مطالعه انگیزش در ورزش مورد استفاده قرار گرفته، نظریه خودمختاری است (دسی و رایان، ۱۹۸۵ و دسی و رایان، ۲۰۰۰) که میزان استقلال یا ارادی بودن رفتار انسان را تحلیل می‌کند و از شش نظریه کوچک تشکیل شده است. یکی از این نظریه‌ها، نظریه نیازهای روانی پایه (BNT) است که در تعدادی از مطالعات به تفصیل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. این نظریه به روابط بین ارضا یا خنثی کردن نیازهای روانی پایه (استقلال، پیوستگی و شایستگی) و رفاه یا نابسامانی اشاره دارد (دسی و رایان، ۲۰۰۰، دسی و رایان، ۲۰۱۷). خنثی کردن این سه نیاز اساسی، تجربه‌ای بدتر و تهدیدکننده‌تر از عدم ارضای آن‌ها تلقی می‌شود (بارتولومی و همکاران، ۲۰۱۱). استقلال یا خودمختاری به تجربه اراده و تمایل اشاره دارد. وقتی رضایت هست، مردم احساس یکپارچگی می‌کنند. هنگامی که آن‌ها به عنوان مانعی درک کنند، احساس فشار را تجربه می‌کنند. پیوستگی یا ارتباط نشان‌دهنده تجربه، پیوند و مراقبت است و از طریق برقراری ارتباط با دیگران و احساس معنادار بودن برای آن‌ها ارضا می‌شود. تضعیف وابستگی باعث احساس بیگانگی اجتماعی و تنهایی می‌شود. شایستگی به تجربه کارآمدی و تسلط اشاره دارد و از طریق فرصت‌هایی برای استفاده و گسترش مهارت‌ها و تجربه ارضا می‌شود. خنثی کردن شایستگی به عنوان یک احساس ناکارآمدی یا حتی شکست تجربه می‌شود (وان استینکیت و همکاران، ۲۰۲۰). مطالعات نشان داده‌اند که ارضای نیازهای اساسی پایه به افزایش انگیزه درونی، لذت بیشتر ورزشکاران از فعالیت بدنی و درجه بالاتر پایبندی به فعالیت کمک می‌کند (ادمونز و همکاران، ۲۰۰۶ و جین و همکاران، ۲۰۱۴). درک ورزشکاران از توانایی‌های خود اعتماد به نفس آن‌ها را افزایش می‌دهد و باعث می‌شود احساس بهتری نسبت به کار داشته باشند. علاوه بر این، افرادی که در انتخاب یک فعالیت احساس آزادی می‌کنند و کمتر متعهد هستند، احساس راحتی بیشتری با آن دارند. در نهایت، یک محیط اجتماعی مناسب و برقراری روابط بین فردی مثبت، پایبندی را ترویج می‌کند (وان استینکیت و همکاران، ۲۰۲۰ و ژن و همکاران، ۲۰۱۴). نیازهای مذکور تحت تأثیر محیط می‌باشد، در محیط‌های ورزشی مربی در ارضای این نیازها نقش مهمی را ایفا می‌کند (جیمز و همکاران، ۲۰۰۸). عدم ارضای نیازهای روانی پایه در ورزشکاران می‌تواند با پیامدهای متعدد مانند کاهش عملکرد، بی‌علاقگی، انزوا، کاهش انگیزه، تحلیل رفتگی و غیره همراه گردد. این فرآیندها می‌تواند عواقب کم‌وبیش جدی برای ورزشکار داشته باشد. در میان یکی از منفی‌ترین سازه‌های مربوط به بیماری در ورزش که بیشترین توجه محققان را به خود جلب کرده است، تحلیل رفتگی است (دی فرانسیسکو و همکاران، ۲۰۱۶؛ گارسیا و همکاران، ۲۰۱۶). به عقیده رادیک (۱۹۹۷)، تحلیل رفتگی سندرمی است که ناشی از خستگی

جسمی و عاطفی، احساس کم موفقیت ویی ارزش شدن ورزش است. تحلیل رفتگی در زمینه فعالیت بدنی و ورزش حالتی در نظر گرفته می شود که ممکن است بامتغیرهای منفی مانند ترک تمرین بدنی، کاهش عملکرد بدنی، لذت ضعیف از فعالیت ورزشی انجام شده یا برافزایش آسیب‌ها همراه باشد (دیفیوری و همکاران، ۲۰۱۹). ورزشکارانی که دارای سطوح بالای تحلیل رفتگی هستند اغلب رفتارهایی ایجاد می کنند که آن‌ها را از ورزش دور می کند و به وضوح جدایی از تمرین بدنی را نشان می دهند (گربر و همکاران، ۲۰۱۹). محققان مختلف مشاهده کرده اند که در موقعیت‌های استرس ورزشی، ورزشکارانی که آمادگی ذهنی بیشتری دارند، توانایی بیشتری برای محافظت از خود در برابر اثرات نامطلوب آن دارند و مشکلات سلامتی کمتری ایجاد می کنند و تحلیل رفتگی کمتری ایجاد می کنند (گربر و همکاران، ۲۰۱۸). میزان تحلیل رفتگی ورزشکار بر مداومت و حضور ورزشکاران در صحنه‌های رقابتی نقش مهمی را ایفا می کند. گزارش‌ها متعددی از ورزشکاران در دست است که از حضور در میادین ورزشی خود و رقابت کناره‌گیری کرده اند. این مسئله مورد توجه بسیاری از محققان روانشناسی ورزش قرار گرفته است و عموماً این متخصصان، تحلیل رفتگی ورزشی را به عنوان یک ناهنجاری روانی که گاهی برای ورزشکاران اتفاق می افتد، توصیف می کنند (لانسدال و همکاران، ۲۰۰۹)؛ چراکه احساس تحلیل رفتگی به عنوان یک بیماری مزمن در نظر گرفته شده که اغلب به آرامی و در طی زمان بروز می کند و به صورت‌های جسمانی و روانی ظاهر می شود و به ورزشکارانی که در مسابقات بزرگ حضور دارند، محدود نمی شود، بلکه ورزشکاران هر دو جنس زن و مرد را در تمام سطوح و در بیشتر رشته‌های ورزشی در برمی گیرد (کرسول همکاران، ۲۰۰۶، گادکر و همکاران، ۲۰۰۷). رادیک و اسمیت (۲۰۰۱) مقیاس تحلیل رفتگی ورزشی را در سه بخش: فرسودگی عاطفی، کاهش حس عملکرد و بی‌علاقگی ارائه دادند (مالری، ۲۰۰۹). بسیاری از پژوهش‌های اولیه، به طور جامعی به نقش عوامل محیطی در پیش‌بینی تحلیل رفتگی تمرکز نموده اند و روند نوظهور دهه گذشته در این امر، پژوهش‌های روبه رشدی بوده است که نقش عوامل محیطی را در بروز تحلیل رفتگی مورد بررسی قرار داده اند (پیتروزوک، ۲۰۰۶). لانسدال و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهشی به ارتباط بین ارضاء نیازها و انگیزش خودمختاری و تحلیل رفتگی در ورزشکاران پرداختند که حاکی از ارتباط منفی معنادار نیاز به شایستگی و پیوستگی با تحلیل رفتگی بود. هر سه عامل تحلیل رفتگی ورزشی با ارضاء نیازهای روانی ارتباط معنی داری داشتند، که از این میان فرسودگی عاطفی ارتباط منفی با شایستگی، پیوستگی و استقلال داشت. ارتباط بین بی‌علاقگی و استقلال نیز منفی گزارش داده شد و در پایان نتایج نشان داد که کاهش حس عملکرد ارتباط منفی معنی داری با شایستگی و استقلال بازیکنان داشت. ورونیکا و همکارانش (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان روابط میان سبک کنترل درون فردی مربیان با ارضاء نیازهای روانی پایه و تحلیل رفتگی، در بازیکنان فوتبال نوجوان به این نتیجه رسیدند که نیازهای استقلال و شایستگی با کاهش احساس موفقیت در تحلیل رفتگی ورزشی رابطه منفی معناداری دارد.

کاستیلو و همکاران (۲۰۱۲) دریافتند که یک سبک مربیگری کنترلی به طور مثبت با خنثی کردن نیازهای اساسی روان‌شناختی مرتبط است و این به نوبه خود با تحلیل رفتگی در بازیکنان زیر ۱۴ سال فوتبال مرتبط است. باربوسا و همکاران (۲۰۱۷) مشاهده کردند که ادراک وظایفی که شامل جو انگیزشی است با انگیزه خود تعیین کننده، رابطه مثبت دارد و این به نوبه خود با تحلیل رفتگی در ورزشکاران دانشگاه رابطه منفی دارد. به طور مشابه، مارس و همکاران (۲۰۱۷) نمونه‌ای از بازیکنان فوتبال زیر ۱۴ و زیر ۱۶ سال را تجزیه و تحلیل کرد و یک همبستگی مثبت بین سبک مربیگری کنترلی، خنثی کردن نیازهای روان‌شناختی اساسی و تحلیل رفتگی یافتند.

در تحقیق شانون و همکاران (۲۰۲۲) یک مدل امتیازات تفاوت نامعین که روابط طولی بین تحلیل رفتگی و نیازها، رضایت و نیازها، ناامیدی را مشخص می کرد مورد آزمایش قرار گرفت. تغییرات درون متغیری قابل توجهی برای همه متغیرهای رضایت-نیاز و نیاز-ناامیدی مشاهده شد. ارتباط طولی در ۳ مدل (خودمختاری-ناامیدی) و ۶ مدل (رابطه-رضایت) یافت شد. تحلیل رفتگی بالاتر در ابتدا، افزایش مدل خودمختاری-ناامیدی را پیش‌بینی کرد، در حالی که مدل ارتباط-رضایت بالاتر در ابتدا، سطوح تحلیل رفتگی را در فصل بعد کاهش داد.

نظر به مطالب مذکور و آنچه به عنوان ضرورت این تحقیق باید از آن یاد کرد این است که وقتی نیازهای انسان شناسایی شد، با برآورده شدن این نیازها می توان از بسیاری از مشکلات که مانع از رسیدن فرد به موفقیت است جلوگیری کرد. از سوی

دیگر تحلیل رفتگی سرایت‌پذیری زیادی دارد و فرد تحلیل رفته به‌زودی گروهی از همکاران خود را نیز مبتلا می‌کند، بنابراین تشخیص فوری علائم تحلیل رفتگی و جلوگیری از شیوع آن دارای اهمیت بسیار زیادی است (سعادت، ۱۳۷۵). به همین دلیل شناخت تحلیل رفتگی و پیامدهای منفی آن، محققان علم روان‌شناسی ورزش را بر آن داشت که آن را بیشتر بررسی کرده، راه‌های پیشگیری از شیوع آن را ابداع و پیشنهاد کرده تا تأثیرات آن را خنثی نمایند (بلوری زاده و همکاران، ۱۳۸۱)؛ بنابراین با توجه به اینکه نیازهای انسان‌ها گوناگون و متعدد هستند و برای اینکه تیم و باشگاه به موفقیت‌های چشمگیر دست یابند باید نیازهای ورزشکاران را شناخته و در برآورده شدن آن‌ها تلاش کنند. لذا عدم توجه به متغیرهای فوق در عملکرد ورزشی می‌تواند باعث گردد که علی‌رغم صرف هزینه و سرمایه‌های هنگفت تیم به نتایج مورد انتظار دست پیدا نکند. درواقع نیاز اصلی و اساسی طرح این موضوع زمانی احساس شد که در هنگام اجرای مسابقات مختلف ورزشی به‌ویژه کبدی مشاهده شد که بازیکنانی که دارای درصد بالایی از اجرای تکنیک و تاکتیک رشته فوق در زمان تمرین یا ابتدای فصل بوده‌اند در زمان مسابقه و یا پایان فصل دچار افت شدید شده و عملکرد خوبی نداشتند. از این‌رو، تعیین نیازهای روانی بازیکنان، توصیف مزایا و محدودیت‌های آن‌ها و تعیین زمان‌هایی که بیشترین مناسبت را دارند، حائز اهمیت خواهد بود. چه‌بسا عدم ارضای نیازهای روانی پایه منتج به نتیجه مطلوب نگردد و درنهایت مربی، تیم و باشگاه به هدف مورد نظر خود دست نیابند و تمام هزینه‌ها و وقت‌های صرف شده بیهوده از بین برود. همچنین پیشگیری و از بین بردن تحلیل رفتگی ورزشکاران و ارتباط آن با متغیرهایی همچون نیازهای روانی پایه، یک هدف مهم برای محققین و شرکت‌کننده‌های ورزشی و نشانه‌های خوبی برای بررسی سابقه ورزشی ورزشکاران می‌باشد. ارضای نیازهای روانی می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل مهم در موفقیت ورزشکار و کاهش تحلیل رفتگی ورزشی موردتوجه قرار گیرد و اثرات مهمی بر روی انگیزش و انگیزتگی ورزشکاران داشته باشد.

به دلیل دوره‌های شدید رقابت و استرس عملکرد در طول یک‌فصل، ورزشکاران می‌توانند نوسانات تحلیل رفتگی را تجربه کنند که ممکن است خطرات بیشتری را برای سلامتی آن‌ها به همراه داشته باشد. اعمال فشار بیش‌ازحد بر ورزشکاران برای دستیابی به نتایج خوب یا ناتوانی در ایجاد لذت از فعالیت بدنی حتی می‌تواند آن‌ها را به ترک تمرین ورزشی سوق دهد. بنابراین مسئله موردتوجه در این پژوهش پی بردن به رابطه بین متغیرهای ارضای نیازهای روانی پایه و تحلیل رفتگی است. از زمانی که اثرات منفی و بارز تحلیل رفتگی‌های ورزشی بر عملکرد افراد مشخص و مطرح گردید، علاقه پژوهشگران به‌صورت بارزی به این مسئله افزایش یافت، چراکه این مسئله نگرانی‌های قابل‌توجهی در میان محققان، مربیان و ورزشکاران ایجاد کرده و تاکنون نیز بسیاری از پرسش‌های آن‌ها در این زمینه بی‌پاسخ‌مانده است. بنابراین یافتن مناسب‌ترین و اثربخش‌ترین شیوه در ارضای نیازهای روانی پایه ورزشکاران و کاهش تحلیل رفتگی آنان، از ارزش بسیاری برخوردار است. بنابراین اگر بتوانیم با انجام چنین پژوهش‌هایی آگاهی مربیان و توجه آن‌ها را به این عامل که آن‌ها تا چه اندازه می‌توانند در تسریع رشد و شکوفایی استعداد و برآورده کردن نیازهای روانی پایه بازیکنان و همچنین پیشگیری از بی‌علاقگی، افت عملکرد دخیل باشند، کمک بس بزرگی را به باشگاه‌های ورزشی و مربیان و به‌طور کلی متصدیان ورزشی کشور و تیم‌های کبدی کرده باشیم. بنابراین در تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که آیا ارضای نیازهای روانی پایه با سطح تحلیل رفتگی ورزشی بازیکنان کبدی رابطه دارد؟

۱-۱. پیشینه تحقیق

جدول ۱. پیشینه تحقیقات

محققین	نام پژوهش	نوع پژوهش	نتایج
--------	-----------	-----------	-------

ارتباط منفی معنادار نیاز به شایستگی و پیوستگی با تحلیل رفتگی بود. هر سه عامل تحلیل رفتگی ورزشی با ارضاء نیازهای روانی ارتباط معنی داری داشتند، که از این میان فرسودگی عاطفی ارتباط منفی با شایستگی، پیوستگی و استقلال داشت. ارتباط بین بی‌علاقگی و استقلال نیز منفی گزارش داده شد و در پایان نتایج نشان داد که کاهش حس عملکرد ارتباط منفی معنی داری با شایستگی و استقلال بازیکنان داشت.	isi	ارتباط بین ارضاء نیازها و انگیزش خودمختاری و تحلیل رفتگی	لانسدال و همکاران (۲۰۰۹)
دریافتند که یک سبک مربیگری کنترلی به طور مثبت با خنثی کردن نیازهای اساسی روان‌شناختی مرتبط است و این به نوبه خود با تحلیل رفتگی در بازیکنان زیر ۱۴ سال فوتبال مرتبط است.	isi	کنترل سبک بین فردی مربی با ارضاء نیازهای روانی پایه و تحلیل رفتگی در بازیکنان جوان فوتبال	کاستیلوو همکاران (۲۰۱۰)
مشاهده کردند که ادراک وظایفی که شامل جو انگیزشی است با انگیزش خودمختاری رابطه مثبت دارد و این به نوبه خود با تحلیل رفتگی در ورزشکاران دانشگاه رابطه منفی دارد.	isi	جو انگیزشی، انگیزش خودمختاری و عوامل تحلیل رفتگی در ورزشکاران	باربوسا وهم کاران (۲۰۱۷)
یک همبستگی مثبت بین سبک مربیگری کنترلی، خنثی کردن نیازهای روان‌شناختی اساسی و تحلیل رفتگی یافتند.	isi	سبک مربیگری کنترلی، نیازهای روانی پایه و تحلیل رفتگی در بازیکنان فوتبال	مارس و همکاران (۲۰۱۷)
به این نتیجه رسیدند که نیازهای استقلال و شایستگی با کاهش احساس موفقیت در تحلیل رفتگی ورزشی رابطه منفی معناداری دارد.	isi	روابط میان سبک کنترل درون فردی مربیان با ارضاء نیازهای روانی پایه و تحلیل رفتگی، در بازیکنان فوتبال نوجوان	ورونیکا و همکارانش (۲۰۲۰)
تغییرات درون متغیری قابل توجهی برای همه متغیرهای رضایت-نیاز و نیاز-نامیدی مشاهده شد. ارتباط طولی در ۳ مدل (خودمختاری-نامیدی) و ۶ مدل (رابطه-رضایت) یافت شد. تحلیل رفتگی بالاتر در ابتداء افزایش مدل خودمختاری-نامیدی را پیش‌بینی کرد، در حالی که مدل ارتباط-رضایت بالاتر در ابتداء، سطوح تحلیل رفتگی را در فصل بعد کاهش داد.	isi	روابط طولی بین تحلیل رفتگی و نیازها-رضایت و نیازها-نامیدی	شانون و همکاران (۲۰۲۲)

۲. روش تحقیق

با توجه به اینکه این پژوهش ارتباط ارضاء نیازهای روانی پایه با تحلیل رفتگی ورزشی بازیکنان لیگ برتر کبیدی را مورد مطالعه قرار داد، مناسب‌ترین روش برای انجام تحقیق، روش همبستگی است. جامعه آماری این تحقیق را کلیه بازیکنان لیگ برتر کبیدی ایران در قالب ۱۲ تیم (ایثار محمد آباد، سجاد زایل، هیئت کبیدی کرمانشاه، شهدای تربیت جام، دهیاران تالش، تختی تهران، راه و ترابری اصفهان، هیئت کبیدی سیستان و بلوچستان، راه و ترابری گلستان، مقاومت نقده، هیئت کبیدی کیوردآهنگ و هیئت کبیدی ملایر) و به تعداد ۱۴۴ نفر تشکیل داده‌اند و کل جامعه آماری به‌عنوان نمونه تحقیق در نظر گرفته شد که از این میان ۲۴ نفر به دلایل مختلف در این تحقیق شرکت نداشتند. برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز، از ۲ پرسشنامه به شرح

زیر استفاده شد: ارزیابی تحلیل رفتگی ورزشی در بین ورزشکاران با پرسشنامه ABQ که توسط ریدایک و اسمیت (۲۰۰۱) ساخته و استاندارد شده است و مشتمل بر ۱۵ سؤال و تحلیل رفتگی ورزشکاران با سه خرده مقیاس، (۱) فرسودگی عاطفی (۵ سؤال)، (۲) کاهش حس عملکرد (۵ سؤال) و (۳) بی‌علاقگی (۵ سؤال) تعیین شد. به‌طور کلی میانگین نمره‌های این ۳ خرده مقیاس به‌عنوان یک شاخص جهانی برای تحلیل رفتگی ورزشی بیان شده است (لانسدال و همکارانش، ۲۰۰۹). پایایی این پرسشنامه در تحقیق هریس (۲۰۰۲) ۰/۷۷ بوده و در ایران نیز توسط محمدزاده (۱۳۸۷) هنجاریابی شده و آلفای کرونباخ آن برای کل سؤالات ۰/۷۸ و برای خرده مقیاس‌های فرسودگی عاطفی ۰/۷۴، کاهش حس عملکرد ۰/۷۹ و بی‌علاقگی ۰/۷۰ گزارش شده است. آلفای کرونباخ برای هر خرده مقیاس فرسودگی عاطفی، کاهش حس عملکرد و بی‌علاقگی در پژوهش حاضر به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۷۷ و ۰/۷۱ به دست آمد. برای ارزیابی دیدگاه ورزشکاران در مورد ارضاء نیازهای روانی پایه از پرسشنامه ارضاء نیازهای روانی پایه استفاده گردید. این پرسشنامه دارای نوزده سؤال است که نیازهای روانی را در سه خرده مقیاس نیاز به احساس شایستگی، نیاز به درک استقلال و نیاز به ارتباط با دیگران اندازه‌گیری نمود. احساس شایستگی با سه سؤال که توسط هولم بگ (۲۰۰۳) طراحی شد، ارزیابی گردید ($\alpha = 0/72$). احساس شرکت‌کنندگان در مورد استقلال خود با شش سؤال که توسط دسی و رایان (۱۹۸۵) طراحی و ساخته شد، ارزیابی گردید ($\alpha = 0/70$). همچنین احساس ورزشکاران را در مورد ارتباط و پیوستگی‌شان، با مربی و بازیکنان تیم با ده سؤال که توسط ریچر و والرند (۱۹۹۸) ساخته شد، ارزیابی گردید ($\alpha = 0/71$). در این پژوهش به منظور سازمان دادن و خلاصه کردن نمرات خام و توصیف اندازه‌های نمونه از آمار توصیفی و برای پیش‌بینی سهم و نقش متغیر مستقل بر متغیر وابسته از رگرسیون چند متغیره با تأکید بر نرم‌افزار spss19 استفاده شد.

۳. یافته‌های تحقیق

جدول ۲. روایی و پایایی و کفایت حجم نمونه

متغیر / مؤلفه	تعداد گویه‌ها	روایی همگرا	آلفای کرونباخ	KMO	کفایت حجم نمونه		مقدار واریانس تبیین یافته	آزمون نرمال
					سطح معناداری	درجه آزادی		
نیازهای روانی پایه	۱۹	-۰/۵۰۵	۰/۷۲	۰/۸۳۴	۱۷۱	۱/۴۱۰	۶۷/۱۸۷	۰/۰۰۰
تحلیل رفتگی	۱۵	-۰/۵۰۵	۰/۷۸	۰/۸۵۲	۱۰۵	۸۵۳/۴۰۳	۶۱/۹۱۱	۰/۰۰۰

بر اساس نتایج جدول ۲ مقدار آلفای کرونباخ نیازهای پایه روانی برابر با ۰/۷۲ به دست آمد. نتیجه مقدار آزمون KMO برابر ۰/۸۳۴ بوده که مقدار آزمون بارتلت برابر با ۱/۴۱۰ در سطح خطای ۰/۰۰۰ نشان از این است که ۴ عامل از ۱۹ عامل توانسته‌اند در حدود ۶۷/۱۸۷ درصد واریانس متغیر نیازهای روانی پایه را تبیین کنند. در نهایت میزان (۰/۰۰۰) بیانگر نرمال بودن متغیر مذکور را نشان می‌دهد. همچنین بر اساس نتایج جدول ۲ مقدار آلفای کرونباخ تحلیل رفتگی ۰/۷۸ به دست آمد. نتیجه مقدار آزمون KMO برابر ۰/۸۵۲ بوده که مقدار آزمون بارتلت برابر با ۸۵۳/۴۰۳ در سطح خطای ۰/۰۰۰ نشان از این است که ۳ عامل از ۱۵ عامل توانسته‌اند در حدود ۶۱/۹۱۱ درصد واریانس متغیر تحلیل رفتگی را تبیین کنند. در نهایت میزان (۰/۰۰۰) بیانگر نرمال بودن متغیر مذکور را نشان می‌دهد.

جدول ۳. تعریف مفهومی و عملیاتی و گویه های متغیر مستقل

متغیر مستقل	تعریف مفهومی	تعریف عملیاتی	گویه ها
نیازهای روانی پایه	ادراکات از شایستگی، استقلال و پیوستگی، نیازهای روانی پایه نام دارد	فردی که خودش فعالیت‌هایش را انتخاب می‌کند و در آن‌ها نقش مهمی دارد و مورد توجه دیگران قرار می‌گیرد و با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کند.	فکر می‌کنید در رشته ورزشی خود چقدر خوب هستید؟ فکر می‌کنید در رشته ورزشی خود چقدر توانایی دارید؟ فکر می‌کنید در رشته ورزشی خود چقدر مهارت دارید؟ مربی و همبازی‌هایم از من حمایت می‌کنند. به مربی و همبازی‌هایم خیلی نزدیک هستم. مربی و همبازی‌هایم مرا درک می‌کنند. به مربی و همبازی‌هایم وابسته هستم. صحبت‌های من برای مربی و همبازی‌هایم مهم است نسبت به مربی و همبازی‌هایم تعهد دارم. برای مربی و همبازی‌هایم ارزشمند هستم. با مربی و همبازی‌هایم یکپارچه و یکدست هستم. در رابطه خود با مربی و همبازی‌هایم امنیت دارم. برای اعضای تیم مربی و همبازی‌هایم همانند یک دوست هستم. زمانی که در رشته ورزشی‌ام شرکت می‌کنم این اختیار را دارم که وظیفه‌ام را مشخص کنم. برای انجام کارها در فعالیت ورزشی‌ام احساس فشار می‌کنم. حتی زمانی که نخواهم آن را انجام دهم. موقعی که در رشته ورزشی‌ام شرکت می‌کنم به تصمیم‌گیری در مورد انجام وظیفه‌ام کمک می‌کند. موقعی که در رشته ورزشی‌ام شرکت می‌کنم کاری که می‌خواهم انجام می‌دهم موقعی که در رشته ورزشی‌ام شرکت می‌کنم در انتخاب وظیفه‌ام اختیاری ندارم. موقعی که در رشته ورزشی‌ام شرکت می‌کنم در انتخاب وظیفه‌ام نمی‌توانم تصمیم بگیرم.

جدول ۴. تعریف مفهومی و عملیاتی و گویه های متغیر وابسته

متغیر وابسته	تعریف مفهومی	تعریف عملیاتی	گویه ها
تحلیل رفتگی ورزشی	یک سندرم روان‌شناختی است که از طریق سه عامل فرسودگی عاطفی، کاهش حس عملکرد و بی‌علاقگی در ورزشکار بروز می‌کند و ورزشکار را از انجام طبیعی	عاملی است که در آن فرد در تمرینات و مسابقات مشارکت نمی‌کند و حس موفق شدن در او کاهش می‌یابد و از تمایلات خود طرف نظر می‌کند.	من کارهای بارزش زیادی هنگام ورزش انجام می‌دهم. من از تمریناتم احساس خستگی می‌کنم به طوری که انرژی برای انجام سایر کارها ندارم. تلاش که من در ورزش می‌کنم بهتر است برای انجام سایر کارها صرف شود. به‌طور کلی من از شرکت در تمرینات ورزشی‌ام احساس خستگی می‌کنم. من در ورزش پیشرفت زیادی ندارم. من برای عملکرد ورزشی خود مانند گذشته ارزش قائل نیستم.

ورزش موردنظر بازمی‌دارد	من در حد توان و قابلیت‌م ورزش نمی‌کنم. من احساس می‌کنم در ورزش شکست خورده‌ام. من مانند گذشته، ورزش نمی‌کنم. من احساس می‌کنم ورزش من را از لحاظ جسمی خسته و فرسوده کرده است. من احساس می‌کنم موفقیت در ورزش مانند گذشته برایم اهمیت ندارد. نیازهای جسمی و روانی ورزش موجب تحلیل و درماندگی‌ام شده است. به نظر می‌رسد بدون توجه به آنچه انجام می‌دهم نمی‌توانم آن طوری که باید از عهده کارهای ورزشی‌ام برآیم.
----------------------------	---

جدول ۵. آزمون نرمال بودن متغیرها

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	KMO	sig
شایستگی	۱۲۰	۱۱/۱۱	۲/۴۰	۲/۱۷۷	۰/۰۰۰
پیوستگی	۱۲۰	۳۹/۱۹	۸/۷۵	۱/۲۸۱	۰/۰۷۵
استقلال	۱۲۰	۱۵/۷۶	۳/۹۵	۱/۹۲۴	۰/۰۰۱
بی‌علاقگی	۱۲۰	۹/۹۲	۴/۵۲	۱/۸۹۰	۰/۰۰۲
فرسودگی	۱۲۰	۱۰/۰۸	۴/۹۱	۲/۳۶۶	۰/۰۰۰
عملکرد	۱۲۰	۱۲/۹۸	۲/۹۲	۱/۶۸۱	۰/۰۰۷

بر اساس نتایج جدول مقدار آزمون KMO بالاتر از یک بوده که مقدار آزمون در سطح خطای ۰/۰۵ بیانگر نرمال بودن متغیرهای مذکور است.

جدول ۶. ضریب همبستگی بین متغیرها

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	جهت و شدت رابطه	نوع رابطه	سطح معنی‌داری
نیازهای روانی	تحلیل رفتگی	-۰/۵۰۵	متوسط و منفی	تأیید	۰/۰۰

آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین نیازهای روانی پایه و تحلیل رفتگی همبستگی وجود دارد $P=۰/۰۰$ و $n=۱۲۰$ و $r=-۰/۵۰۵$ جهت رابطه بین نیازهای روانی و تحلیل رفتگی منفی است. شدت همبستگی به دست آمده در حد متوسط است. نتایج نشان می‌دهد با ارضای نیازهای روانی پایه میزان تحلیل رفتگی کاهش و با عدم ارضای نیازهای میزان تحلیل رفتگی افزایش یابد.

جدول ۷. شاخص‌های آماری مرتبط با بررسی متغیر «ارضای نیازهای روانی پایه»

شاخص‌های توزیع		شاخص‌های پراکندگی			شاخص‌های گرایش مرکزی			
ضریب کشیدگی	ضریب کجی	خطای معیار	انحراف معیار	واریانس	دامنه تغییرات	میانگین	میانه	نما
۰/۸۰	۰/۸۵	۱/۰۶	۱۱/۶۲	۱۳۵/۱۴	۶۲	۶۶/۰۶	۶۸/۲۹	۷۷

با توجه به جدول فوق و با تأکید بر اینکه تفاوت اندکی بین نما، میانه و میانگین وجود دارد و از آنجائیکه میزان ضریب کجی و ضریب کشیدگی کمتر از رقم ۱ است، می‌توان مطرح نمود که توزیع فوق، مفروضه نرمال بودن را داراست و می‌توان از میانگین به‌عنوان معرف شاخص گرایش مرکزی استفاده نمود و از مدل‌های آمار پارامتریک استفاده به عمل آورد.

جدول ۸. شاخص‌های آماری مرتبط با بررسی متغیر «تحلیل رفتگی ورزشی»

شاخص‌های توزیع		شاخص‌های پراکندگی			شاخص‌های گرایش مرکزی			
ضریب کشیدگی	ضریب کجی	خطای معیار	انحراف معیار	واریانس	دامنه تغییرات	میانگین	میانه	نما
-۰/۸۲	۰/۱۴	۰/۹۷	۱۰/۶۳	۱۱۳/۰۵	۴۰	۳۲/۹۷	۳۲/۷۵	۲۰

با توجه به جدول فوق و با تأکید بر اینکه تفاوت اندکی بین نما، میانه و میانگین وجود دارد و از آنجائیکه میزان ضریب کجی و ضریب کشیدگی کمتر از رقم ۱ است، می‌توان مطرح نمود که توزیع فوق، مفروضه نرمال بودن را داراست و می‌توان از میانگین به‌عنوان معرف شاخص گرایش مرکزی استفاده نمود و از مدل‌های آمار پارامتریک استفاده به عمل آورد.

جدول ۹. رگرسیون چندمتغیری جهت پیش‌بینی «تحلیل رفتگی»، مؤلفه

«بی‌علاقگی» از طریق «ارضای نیازهای روانی پایه»

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۹۰۴/۵۱	۳	۳۰۱/۵۰	۲۲/۹۰	۰/۰۱۱
باقیمانده	۱۵۲۶/۶۵	۱۱۶	۱۳/۱۶		

با تأکید بر میزان F به‌دست‌آمده (۲۲/۹۰)، نتایج نشان‌دهنده ارتباط معنی‌داری بین «ارضای نیازهای پایه» با «بی‌علاقگی» در سطح $\alpha=0/01$ است. به‌عبارت‌دیگر، توان پیش‌بینی «بی‌علاقگی» از طریق «ارضای نیازهای پایه» وجود دارد. از این‌رو، جهت شناسایی و تبیین ضرایب رگرسیون، ضروری است تا جدول ضرایب رگرسیون عنوان شود.

جدول ۱۰. ضرایب رگرسیون مرتبط با جدول ۹

متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بینی کننده	میزان B	ضریب بتا	میزان t	سطح معنی‌داری
نیاز به شایستگی		-۰/۳۶	-۰/۱۹	-۲/۳۶	۰/۰۲۰
نیاز به پیوستگی		-۰/۲۶	-۰/۵۱	-۶/۰۵	۰/۰۰۷
نیاز به استقلال		-۰/۱۷	-۰/۱۵	-۲/۰۳	۰/۰۴۵

با توجه به ضرایب رگرسیون چندمتغیری به‌دست‌آمده، نتایج نشان‌دهنده ارتباط منفی معنی‌داری بین «نیاز به شایستگی» ($B=-0/19$)، «نیاز به پیوستگی» ($B=-0/51$) و «نیاز به استقلال» ($B=-0/15$) با «بی‌علاقگی» است. بدین ترتیب که با افزایش «نیاز به شایستگی»، «نیاز به پیوستگی» و «نیاز به استقلال»، «بی‌علاقگی» نیز کاهش می‌یابد.

جدول ۱۱. رگرسیون چندمتغیری جهت پیش‌بینی «تحلیل رفتگی»، مؤلفه «فرسودگی عاطفی» از طریق «ارضای نیازهای روانی پایه»

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معنی داری
رگرسیون	۹۵۸/۴۲	۳	۳۱۹/۴۷	۱۹/۴۶	۰/۰۱۲
باقیمانده	۱۹۰۹/۹۰	۱۱۶	۱۶/۴۶		

با تأکید بر میزان F به دست آمده (۱۹/۴۶)، نتایج نشان‌دهنده ارتباط معنی‌داری بین «ارضای نیازهای روانی پایه» با «فرسودگی عاطفی» در سطح $\alpha=0/01$ است. به عبارتی دیگر توان پیش‌بینی «فرسودگی عاطفی» از طریق «ارضای نیازهای روانی پایه» وجود دارد.

جدول ۱۲- ضرایب رگرسیون مرتبط با جدول ۱۱

متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بینی کننده	میزان B	ضریب بتا	میزان t	سطح معنی داری
نیاز به شایستگی		-۰/۵۰	-۰/۲۴	-۲/۹۱	۰/۰۰۴
نیاز به پیوستگی		-۰/۲۴	-۰/۴۳	-۴/۹۹	۰/۰۰۶
نیاز به استقلال		۰/۱۰	۰/۰۸	۱/۰۵	۰/۲۹۶

با توجه به ضرایب رگرسیون چندمتغیری به دست آمده، نتایج نشان‌دهنده ارتباط منفی معنی‌داری بین «نیاز به شایستگی» ($B=-0/24$) و «نیاز به پیوستگی» ($B=-0/43$) با «فرسودگی عاطفی» است. بدین ترتیب که با افزایش «نیاز به شایستگی» و «نیاز به پیوستگی»، «فرسودگی عاطفی» نیز کاهش می‌یابد.

جدول ۱۳. رگرسیون چندمتغیری جهت پیش‌بینی «تحلیل رفتگی»، مؤلفه «کاهش حس عملکرد» از طریق «ارضای نیازهای روانی پایه»

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معنی داری
رگرسیون	۱۲۶/۴۳	۳	۴۲/۱۴	۵/۴۶	۰/۰۰۲
باقیمانده	۸۹۴/۴۹	۱۱۶	۷/۷۱		

با تأکید بر میزان F به دست آمده (۵/۴۶)، نتایج نشان‌دهنده ارتباط معنی‌داری بین «ارضای نیازهای روانی پایه» با «کاهش حس عملکرد» در سطح $\alpha=0/01$ است. به عبارتی دیگر توان پیش‌بینی «کاهش حس عملکرد» از طریق «ارضای نیازهای روانی پایه» وجود دارد. از این رو، جهت شناسایی و تبیین ضرایب رگرسیون، ضروری است تا جدول ضرایب رگرسیون عنوان شود.

جدول ۱۴. ضرایب رگرسیون مرتبط با جدول ۱۳

متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بینی کننده	میزان B	ضریب بتا	میزان t	سطح معنی داری
نیاز به شایستگی		-۰/۰۵	-۰/۰۴	-۰/۴۳	۰/۶۶۴
نیاز به پیوستگی		-۰/۰۱	-۰/۳۲	-۳/۲۰	۰/۰۰۲
نیاز به استقلال		۰/۱۴	۰/۱۹	۲/۱۹	۰/۰۳۰

با توجه به ضرایب رگرسیون چندمتغیری به دست آمده، نتایج نشان‌دهنده ارتباط منفی و معنی‌داری بین «نیاز به پیوستگی» ($B=-0/32$) و ارتباط مثبت و معنی‌داری بین «نیاز به استقلال» با «کاهش حس عملکرد» ($B=0/19$) است. بدین ترتیب

که با افزایش «نیاز به پیوستگی»، «کاهش حس عملکرد» کاهش می‌یابد درحالی‌که با افزایش «نیاز به استقلال»، «کاهش حس عملکرد» افزایش می‌یابد.

جدول ۱۵. رگرسیون چندمتغیری جهت پیش‌بینی «تحلیل رفتگی ورزشی» از طریق «ارضای نیازهای روانی پایه»

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۵۰۸۱/۰۶	۳	۱۶۹۳/۶۸	۲۳/۴۶	۰/۰۱۷
باقیمانده	۸۳۷۲/۸۰	۱۱۶	۷۲/۱۷		

با تأکید بر میزان F به‌دست‌آمده (۲۳/۴۶)، نتایج نشان‌دهنده ارتباط معنی‌داری بین «ارضای نیازهای روانی» با «تحلیل رفتگی ورزشی» در سطح $\alpha=0/01$ است. به‌عبارتی دیگر، توان پیش‌بینی «تحلیل رفتگی ورزشی» از طریق «ارضای نیازهای روانی پایه» وجود دارد. از این رو، جهت شناسایی و تبیین ضرایب رگرسیون، ضروری است جدول ضرایب رگرسیون عنوان شود.

جدول ۱۶. ضرایب رگرسیون مرتبط با جدول ۱۵

متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بینی کننده	میزان B	ضریب بتا	میزان t	سطح معنی‌داری
تحلیل رفتگی ورزشی	نیاز به شایستگی	-۰/۹۲	-۰/۲۰	-۲/۵۴	۰/۰۱۲
	نیاز به پیوستگی	-۰/۶۱	-۰/۵۰	-۶/۰۲	۰/۰۰۲
	نیاز به استقلال	۰/۴۲	۰/۱۵	۲/۰۸	۰/۰۳۹

با توجه به ضرایب رگرسیون چندمتغیری به‌دست‌آمده، نتایج نشان‌دهنده ارتباط منفی معنی‌داری بین «نیاز به شایستگی» ($B=-0/20$) و «نیاز به پیوستگی» ($B=-0/50$) و ارتباط مثبت معنی‌داری بین «نیاز به استقلال» با «تحلیل رفتگی ورزشی» ($B=0/15$) است. بدین ترتیب که با افزایش «نیاز به شایستگی» و «نیاز به پیوستگی»، «تحلیل رفتگی ورزشی» نیز کاهش می‌یابد؛ و با افزایش «نیاز به استقلال» «تحلیل رفتگی ورزشی» نیز افزایش می‌یابد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش بررسی ارتباط ارضای نیازهای روانی پایه و تحلیل رفتگی ورزشکاران مرد لیگ برتر کبدی ایران بود. یافته‌های تحقیق به‌طور کلی با تأیید فرضیه تحقیق نشان داد که ارضای نیازهای روانی پایه با تحلیل رفتگی ورزشی بازیکنان دارای ارتباط معنی‌داری است. به‌طوری‌که از بین مقیاس‌های ارضای نیازهای روانی پایه، نیاز به شایستگی و نیاز به پیوستگی دارای رابطه خطی غیرمستقیم و نیاز به استقلال دارای رابطه خطی مستقیم با تحلیل رفتگی است به‌طوری‌که با افزایش درک شایستگی و پیوستگی، تحلیل رفتگی نیز کاهش یافت، درحالی‌که با افزایش درک استقلال تحلیل رفتگی افزایش می‌یابد. در خصوص ارتباط خرده مقیاس‌های نیازهای روانی پایه بر مقیاس‌های تحلیل رفتگی یافته‌ها حاکی از آن بود که درک شایستگی، پیوستگی و استقلال رابطه خطی و غیرمستقیمی با بی‌علاقگی داشت. بین درک شایستگی و پیوستگی با فرسودگی عاطفی رابطه خطی و غیرمستقیمی یافت شد. همچنین بین درک پیوستگی رابطه منفی معنی‌داری و درک استقلال رابطه مثبت معنی‌داری با کاهش حس عملکرد وجود داشت. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیقات پیتروزک (۲۰۰۶)، هادج و همکاران (۲۰۰۸)، لانسدال و همکاران (۲۰۰۹)، کاستیلو و همکاران (۲۰۱۰)، مارس و همکاران (۲۰۱۷) و ورونیکا و همکاران (۲۰۲۰) که ارتباط معنادار بین ارضای نیازهای روانی پایه و تحلیل رفتگی ورزشی را تأیید کردند با تحقیق حاضر همسو بود، اما رابطه بین خرده مقیاس‌های درک شایستگی و استقلال با کاهش حس عملکرد در تحقیق لانسدال و همکاران منفی و معنی‌دار گزارش داده شد که با نتایج تحقیق حاضر مغایر است. علت این مغایرت را می‌توان به نوع فرهنگ جامعه،

اندازه جامعه آماری، سطح رقابت سن و نوع رشته ورزشی مورد مطالعه عنوان کرد. همچنین می‌توان اظهار کرد، دادن استقلال زیاد از طرف مربیان به بازیکنان باعث می‌شود که آن‌ها در انجام وظایف محوله کوتاهی نکنند و همین امر باعث افت عملکردشان شود و در نهایت منجر به تحلیل رفتگی شود؛ بنابراین به‌طور کلی، نتایج بازنگری تحقیقات این بخش این عقیده را تأیید می‌کند که درک یا عدم درک شایستگی، پیوستگی و استقلال ممکن است با میزان تحلیل رفتگی ورزشکاران مرتبط باشد. هرچند برخی از این تحقیقات مقطعی و یا میزان تحلیل رفتگی ورزشکاران را مستقیماً ارزیابی نکردند و از طرفی این بررسی‌ها بر روی گروه‌های مختلف ورزشی و سنی صورت گرفته است.

نتایج نشان‌دهنده ارتباط منفی نیاز به شایستگی با تحلیل رفتگی است، یعنی با افزایش نیاز به شایستگی میزان تحلیل رفتگی کاهش پیدا می‌کند. شایستگی به تجربه کارآمدی و تسلط اشاره دارد و از طریق فرصت‌هایی برای استفاده و گسترش مهارت‌ها و تجربه ارضا می‌شود. خنثی کردن شایستگی به‌عنوان یک احساس ناکارآمدی یا حتی شکست تجربه می‌شود، بنابراین اگر مربیان و مدیران باشگاه‌ها بتوانند زمینه‌های ارتقای مهارت‌های ورزشی ورزشکاران را فراهم نمایند ورزشکاران در خود احساس کارآمدی و مؤثر بودن را درک نموده و همین عامل باعث می‌شود که نیاز به شایستگی در آنها ارضا شود و تیم و باشگاه به موفقیت دست پیدا کند.

از طرف دیگر نتایج تحقیق نشان داد که بین نیاز به پیوستگی و تحلیل رفتگی رابطه منفی معناداری وجود دارد، یعنی با افزایش نیاز به پیوستگی میزان تحلیل رفتگی کاهش می‌یابد. پیوستگی یا ارتباط نشانده تجربه، پیوند و مراقبت است و از طریق برقراری ارتباط با دیگران و احساس معنادار بودن ارضای می‌شود. تضعیف وابستگی باعث احساس بیگانگی اجتماعی و تنهایی می‌شود؛ بنابراین اگر مربیان و مدیران باشگاه‌ها بیشتر به ورزشکاران نزدیک‌تر شده و تعامل خود را با آن‌ها افزایش دهند این رفتار آن‌ها باعث می‌شود که بازیکنان احساس کنند که بیشتر از طرف مربی و مدیر مورد توجه قرار می‌گیرند و از طریق ارتباطی که حین تمرین و مسابقات و یا خارج از آن با مربی دارند نیاز به پیوستگی یا ارتباط در آن‌ها ارضا شود و تحلیل رفتگی در آن‌ها کاهش پیدا کند.

همچنین نتایج تحقیق نشان داد که بین نیاز به استقلال با تحلیل رفتگی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد، یعنی با افزایش استقلال میزان تحلیل رفتگی بازیکنان افزایش می‌یابد. استقلال یا خودمختاری به تجربه اراده و تمایل اشاره دارد. وقتی رضایت هست، مردم احساس یکپارچگی می‌کنند. هنگامی که آن‌ها به‌عنوان مانعی درک می‌کنند، احساس فشار را تجربه می‌کنند؛ بنابراین با توجه به نتایج تحقیق می‌توان این استنباط را داشت وقتی که مربیان و مدیران باشگاه‌ها بیش‌ازحد به بازیکنان خود استقلال دهند باعث می‌شود آن‌ها در تمرین و مسابقات عملکرد مناسبی از خود نشان ندهند، همانطوریکه بعضاً در باشگاه‌های بزرگ مشاهده شده که بازیکنان مطرح که استقلال زیاد به آن‌ها داده شده است برعلیه مربی و باشگاه بیانیه صادر می‌کنند، از تعویض کردن عصبانی شده و اعتراض خود را در حضور تماشاگران و در رسانه‌ها نشان می‌دهند و همچنین دیگر بازیکنان را علیه مربی و باشگاه به اعتراض وادار می‌کنند و چون تحلیل رفتگی سرایت‌پذیر است و فرد تحلیل رفته می‌تواند همکاران خود را نیز به تحلیل رفتگی مبتلا کند و همین عامل باعث شکست تیم و باشگاه در میدان ورزشی شود؛ بنابراین مربیان و مدیران باید سعی کنند که بیش‌ازحد به بازیکنان خود استقلال ندهند.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که بین هر سه خرده مقیاس نیازهای روانی پایه (نیاز به شایستگی، نیاز به پیوستگی و نیاز به استقلال) با خرده مقیاس بی‌علاقگی رابطه منفی معناداری وجود دارد یعنی با افزایش هر سه خرده مقیاس نیازهای روانی پایه میزان بی‌علاقگی کاهش پیدا می‌کند و چون بی‌علاقگی به کاهش علاقه در ورزش و صرف‌نظر کردن ورزشکار از تمایلات اشاره می‌کند، بنابراین مربیان با توصیه‌های مهارتی، تکنیکی و تاکتیکی به‌روز و مدیران با فراهم کردن امکانات و زیرساخت‌های مناسب نیاز به شایستگی و با ارتباط برقرار کردن با بازیکنان و مورد توجه قرار دادن و حمایت از آن‌ها نیاز به پیوستگی یا ارتباط و نیز نیاز به استقلال را در آن‌ها ارضا نمایند تا زمینه بی‌علاقگی به ورزش را در بازیکنان کاهش دهند و بازیکنان از تحلیل رفتگی مصون شوند و تیم و باشگاه در مسابقات موفق شوند.

همچنین نتایج بین خرده مقیاس‌های تحقیق نشان داد که بین نیاز به شایستگی و نیاز به پیوستگی با فرسودگی عاطفی رابطه منفی معناداری وجود داشت؛ یعنی با افزایش نیاز به شایستگی و پیوستگی میزان فرسودگی عاطفی کاهش پیدا می‌کند.

فرسودگی عاطفی مربوط به کاهش احساسات در مشارکت و فرسودگی عاطفی در تمرینات و مسابقات است، بنابراین مربیان و مدیران باید با توصیه‌های مهارتی، تکنیکی و تاکتیکی به‌روز و مدیران با فراهم کردن امکانات و زیرساخت‌های مناسب نیاز به شایستگی و با ارتباط برقرار کردن با بازیکنان و مورد توجه قرار دادن آن‌ها نیازهای شایستگی و پیوستگی را در بازیکنان خود ارضا نمایند تا زمینه کاهش احساس مشارکت در تمرین و مسابقات را در بازیکنان خود فراهم نمایند و بازیکنان از لحاظ روحی آمادگی بالاتری را در مسابقات داشته باشند.

و در نهایت نتایج تحقیق حاضر نشان داد که بین نیاز به پیوستگی با کاهش حس عملکرد رابطه منفی معناداری و بین نیاز به استقلال با کاهش حس عملکرد رابطه مثبت معناداری وجود داشت، یعنی با افزایش نیاز به پیوستگی میزان کاهش حس عملکرد کاهش پیدا می‌کند و با افزایش نیاز به استقلال میزان کاهش حس عملکرد افزایش پیدا می‌کند. کاهش حس عملکرد به کاهش حس موفق شدن ورزشکاران در فعالیت‌های ورزشی اشاره می‌کند. چون که نیاز به پیوستگی با برقراری ارتباط با دیگران برآورده می‌شود، هرچقدر ارتباط بازیکنان با مربیان، مدیران و دیگر بازیکنان بیشتر باشد بازیکنان عملکرد بالاتری از خود نشان می‌دهند و همین عامل باعث می‌شود که آن‌ها احساس موفق شدن را در خود ببینند و کمتر دچار تحلیل رفتگی شوند؛ اما وقتی مربیان به بازیکنان خود بیش از حد استقلال می‌دهند این احتمال وجود دارد که بازیکنان در انجام وظایف محوله کوتاهی کنند و همین امر باعث افت عملکردشان شود و در نهایت منجر به تحلیل رفتگی شود. بنابراین به مربیان پیشنهاد می‌شود به جهت جلوگیری از ایجاد تحلیل رفتگی و تأثیرات منفی این عامل بر عملکرد ورزشی بازیکنان، سعی نمایند که نیاز به شایستگی و پیوستگی ورزشکارانشان را با برقراری ارتباطات مناسب و ایجاد فرصت برای ابتکار عمل در آن‌ها برآورده کنند و چون درک استقلال بیش از حد باعث افت عملکرد بازیکنان می‌شود، بنابراین سعی شود که بیش از حد به بازیکنان استقلال ندهند.

۵. منابع

- Ahmadi, Masoud (2008), "Fundamentals of Organization and Management (General Management). Tehran Publishing Institute, Ed. [in Persian]
- Alwani, Seyyed Mehdi. (1380). General management. Tehran: Not published. [in Persian]
- Barbosa-Luna, A.E. Tristán, J.L. Tomás, I. González, A. López-Walle, J.M. Motivational climate, self-determined motivation, affects, and burnout in athletes: A multilevel approach. *Acción Psicológica* 2017, 14, 105–118. [CrossRef]
- Belurizadeh, Padideh; Sheikh, Mahmoud; Bagherzadeh, Fazlullah. (1381). Investigating the relationship between sports competition and exhaustion of sprinters and women's endurance in Tehran. *Movement magazine*, volume 12, pages 19-30. [in Persian]
- Castillo, I. González, L. Fabra, P. Mercé, J. Balaguer, I. Estilo interpersonal controlador del entrenador, frustración de las necesidades psicológicas básicas, y burnout en futbolistas infantiles. *Controlling coach interpersonal style, basic psychological need thwarting, and burnout in young soccer players. Cuad. Psicol. Deporte* 2012, 12, 143–146. [CrossRef]
- Cox, A. E. Smith, A. L. & Williams, L. (2008). Change in Physical Education Motivation and Physical Activity Behavior during Middle School. *Journal of Adolescent Health* 43, 506–513.
- Cresswell, S. L. & Eklund, R. C. (2005b). Motivation and Burnout in professional Rugby players. www.aahped.org, 96:370-376.
- Cresswell, S.L., & Eklund, R.C. (2006). The convergent and discriminate validity of burnout measures in sport: a multi-method multi-trait analysis. *Journal of Sport Sciences*, 24, 209-220.
- De Francisco, C. Arce, C. Vílchez, M.P. Vales, Á. Antecedents and consequences of burnout in athletes: Perceived stress and depression. *Int. J. Clin. Health Psychol.* 2016, 16, 239–246. [CrossRef]
- Deci, E. L. & Ryan, R. M. (2000). Self-determination theory and facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being. *Journal American psychologist*, 55:68-78.
- Difiori, J.P. Benjamin, H.J. Brenner, J. Gregory, A. Jayanthi, N. Landry, G.L. Luke, A. Overuse injuries and burnout in youth sports: A position statement from the American Medical Society for sports medicine. *Br. J. Sports Med.* 2014, 48, 287–288. [CrossRef] [PubMed]
- García-Parra, N. Gonzalez-Hernandez, J. Garcés de los Fayos, E. Estado actual del estudio del síndrome de burnout en el deporte. *Current Status of the Study of Burnout Syndrome in Sport. Cuad. Psicol. Deporte* 2016, 16, 21–28.

- Gerber, M. Best, S. Meerstetter, F. Walter, M. Ludyga, S. Brand, S. Bianchi, R. Madigan, D.J. Isoard-Gauthier, S. Gustafsson, H. Effects of stress and mental toughness on burnout and depressive symptoms: A prospective study with young elite athletes. *J. Sci. Med. Sport.* 2018, 21, 1200–1205. [CrossRef] [PubMed]
- Gerber, M. Brand, R. Antoniewicz, F. Isoard-Gauthier, S. Gustafsson, H. Bianchi, R. Colledge, F. Madigan, D.J. Brand, S. Ludyga, S. Implicit and explicit attitudes towards sport among young elite athletes with high versus low burnout symptoms. *J. Sports Sci.* 2019, 37, 1673–1680. [CrossRef] [PubMed]
- Goodger, k. Gorely, T. Harwood, C. & Levallee, D. (2007). Burnout in sport a systematic review. *Journal the sport psychogist*, 21:127-151.
- Hamidzadeh, Mohammad Reza (1377), "Needs, productivity and development. In Mohib Ali, Daoud (compiler), scientific methods of improving the productivity of human resources. Tehran: Public Administration Education Center Publications. [Persian]
- Hodge, k. londdale, c. & Ng, J. (2008). Burnout in elite rugby relationship with basic psychological needs fulfillment. *Journal of sports sciences*, 26:835-844.
- James W. Adie, Joan L. Duda& Nikos Ntoumanis (2008). Autonomy support, basic need satisfaction and the optimal functioning of adult male and female sport participants: A test of basic needs theory. *MotivEmot* (2008) 32:189–199.
- lonsdal, C. Hodge, k. & Rose, E. (2009). Athlete burn out in elite sport:a self – determination perspective. *Journal of sport sciences*, 27(8):785-795
- Mallory E. Mann, (2009). Burnout, Motivation, and Perceived Coaching Behavior Female Intercollegiate Athletes: Assessing Relationships over.PhD diss. Oxford, Ohio.
- Mars, L. Castillo, I. López-Walle, J. Balaguer, I. Estilo controlador del entrenador, frustración de las necesidades y malestar en futbolistas. Controlling coach style, basic psychological need thwarting and ill-being in soccer players. *Rev. Psicol. Deporte* 2017, 26, 119–124.
- pietraszuk. T. k. (2006). Burnout in Athletics: A test of self – determination theory. Texas Tech University Thesis.
- Raedeke, T.D. & Smith, A.L. (2001). Coping resources and athlete burnout: an examination of stress mediated and moderation hypotheses. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 26, 525-541.
- Raedeke, T.D. Is athlete burnout more than just stress? A sport commitment perspective. *J. Sport Exerc. Psychol.* 1997, 19, 396–417. [CrossRef]
- Reilly, Thomas, Williams, Mark. (1384). Science and football (translated by Gayeni, Abbas Ali, Mosibi, Fethullah, Faramarzi Mehdi). Tehran: National Olympic Committee of the Islamic Republic of Iran. [in Persian]
- Rio, Marshall. (2013). Motivation and excitement. (Translated by Seyed Mohammadi, Yahya). Tehran: Nash. Date of publication in original language 1992. [Persian].
- Saadat,Esfandiar(1375),the effect of analysis of attrition on the efficiency of human resources, management knowledge magazine, numbers 33 and 34,summer and autumn. [in Persian]